

کشمیر و بیداری اسلامی

کشمیر و بیداری اسلامی

عبدالاحسین کشمیری

بسمه تعالی

کشمیر متعلق به جهان اسلام است نه به کشورهای همجوار خود و مردم کشمیر ثابت کردند حاضرند تنها برای دین مبین اسلام هر نوع فداکاری از خود نشان بدهند نه اینکه فدای آرمان یک کشور، یک حزب، یک قبیله یا یک نژاد شوند و باید از این روحیه تجلیل و قدردانی بشود تا اینکه جامعه اسلامی کشمیر شکوفائی از خود نشان بدهد و بایستی کشمیر و فلسطین با یک دید و سیاست پشتیبانی شود.

کشمیر در سال ۱۳۲۰ میلادی برابر با ۶۹۹ شمسی توسط سلطان صدرالدین رنجن شاه و به رهبری سید عبدالرحمن شمس الدین موسوی بلبل شاه از تسلط کشور کفر خارج و به کشور اسلامی تبدیل گشت و تا زمان یوسف شاه چک آخرین پادشاه مسلمان کشمیر، کشور مستقل اسلامی بود، یعنی تا سال ۱۵۸۶ میلادی برابر با ۹۶۵ ش (سال نقص تعهد اکبر شاه مغول و دستگیری یوسف شاه چک در دربار اکبر شاه مغول)، بیش از دو

قرن (۲۶۶ سال) کشمیر کشور اسلامی بود. تاریخ اشغال مجدد کشمیر در سال ۱۵۸۶ م برابر با ۹۶۵ ش آغاز شد و به ترتیب ذیل ادامه یافت:

الف: هند (دولتمردان مغول) ۱۶۶ سال کشمیر را اشغال کردند (۱۵۸۶ الی ۱۷۵۲).

ب: افغان ها ، کشمیر را از دست دولتمردان مغول هند خارج ساخته و ۶۷ سال بر کشمیر حکومت کردند (۱۷۵۲ الی ۱۸۱۹).

ج: سیک های پنجاب افغان ها را از کشمیر رانده و برای ۲۷ سال کشمیر را زیر سلطه خود قرار دادند (۱۸۱۹ الی ۱۸۴۶).

د: بعد از اشغال توسط سیک های پنجاب دوره استعمار انگلیس فرارسید. وقتی که انگلیس نتوانست بر کشمیر دست پیدا کند با تاجر دوگره جامو معامله کرده کشمیر را از دست سیک های پنجاب آزاد کرده به مبلغ ۷.۵ میلیون سکه رائج الوقت به تاجر دوگره های جامو فروخته شد و دوگرا برای ۱۰۱ سال بر کشمیر حکومت کردند (۱۸۴۶ الی ۱۹۴۷).

اینجا لازم می بینم مرثیه ای را اقبال لاهوری در این ضمیمه سروده است، نقل کنم:

باد صبا اگر به جـــــنوا گذر کنی
حرفي زما به مجلس اقوام باز گوي

دهقان و کشت و جوي و خيابان فروختند
قومي فروختند و چه ارزان فروختند بدین

ترتيب کشمير به کالاي سياسي بين المللي تبديل گشت. مردم انقلابي کشمير که تلاش مي کردند از اين
ننگ سياسي نجات پيدا کنند، عليه نظام ديکتاتوري دوگرا قيام کردند و کاري به قيام مردم هند عليه
استعمار انگليس نداشتند. ولي بازیگران سياسي قيمت آزادي هند و تأسيس پاکستان و سپس بنگلاديش را از
مردم معصوم کشمير مي گیرند و کمتر در باره اين موضوع حرفي زده مي شود چون منفعت آن به اسلام و خود
مردم کشمير برمي گردد لذا تلاش مي شود به هر نحوي اين موضوع به فراموشي سپرده شود ولي بحمدﷻ
مرزبانان اسلام، کشمير را از پیکر اسلام جدا ندیده اند بویژه امام راحل و امام حي حضرت امام خامنه
ای.

مردم کشمیر از ۱۵۸۶ میلادی (سال نقض تعهد اکبر شاه مغول و دستگیری یوسف شاه چک در دربار اکبر شاه) بطور عموم و از سال ۱۹۳۱ میلادی بخصوص تاکنون در حال جنگ هستند یعنی بالغ بر چهار قرن در حال

مبارزه هستند ولي رهبري امام گونه در اين چهار قرن نصيب شان نشده است که بجاي مزدور استعمار بودن خدمتگذار جامعه خود بويژه اسلام باشد.

هند و پاکستان بعنوان دو قدرت همجوار بازيگري سياسي خود را در کشمير فعال نگه داشته اند و در طرف اين ۶۵ سال (از ۱۹۴۷ الي ۲۰۱۲) چه شعار ها و احزاب ها را بنیانگذاری کردند، بر کسي مخفي نيست که شرح کوتاه آن بشرح ذيل است:

هند تاکنون حدود یک ميليون نيروي ارتش را در کشمير تحت اداره خود استخدام کرده است، براي مقابله با آن از سال ۱۹۸۷ پاکستان بالغ بر سي احزاب چريکي(1) تشکيل داد که هند همه اينها را يکي خاتمه يا غير موثر ساخته است.

پاکستان در کنار احزاب چريکي یک اتحاديه(2) متشکل از احزاب سياسي اصيل و ريشه دار يا نو پا را مورد حمايت و پشتباني قرار داد که طرفدار جدائي از هند و الحاق با پاکستان باشند و اين اتحاديه در واقع طرح آمريکا بود که آقاي اوکلي خالق آن بوده که اکنون استاد اکادمي دفاعي آمريکا است.

احزاب سياسي کشمير معمولاً طرفدار هند و يا طرفدار پاکستان هستند. احزاب طرفدار هند را مين ستريم پارتی(3)(mainstream) و احزاب طرفدار پاکستان را سپريست پارتی(4)(Separatist) ناميده ميشود.

در يکچنين فضا حرکت اصيل و اسلامي نمي تواند دوام بيارد تا اينکه جهان اسلام حرکت انقلابي مردم کشمير را مثل حرکت فلسطين برسميت بشناسد.

با اين مقدمه بايد به موضوع بيداري اسلامي و کشمير پردازم. مردم کشمير طبعاً مذهب گرا هستند. حاضران بخاطر دينشان از جان و مال بگذرند ولي کسي به خواسته هايشان توجه نمي کند. مردم کشمير هميشه براي قيام نظام اسلامي در کشمير فکر و عمل از خود نشان داده اند که کمتر مورد استقبال جهان اسلام واقع شده است.

معمولاً مسئله کشمير را به حادثه سوم جوئن ۱۹۴۷ ميلادي نسبت داده ميشود، روزي که شبه قاره هند انشعاب پيدا کرد و کشور پاکستان تاسيس شد. سپس بيست و دوم اکتوبر ۱۹۴۷ کشور نوپاي پاکستان به کشور مستقل داراي تاريخ بالغ بر دو هزار ساله کشمير طمع کرد و يورش برد و در نتيجه ديکتاتور حاکم بر کشمير از هند استمداد کمک نظامي کرد و زمينه اشغال کشمير فراهم شده و ميان هند و پاکستان قدرت

نمائي شروع شد. ولي دغدغه مردم کشمير هميشه اسلام بوده نه خدمت به سران اين کشورها.

مردم کشمير در واقع هميشه بيداري اسلامي از خود نشان داده اند ولي بازي گران سياسي در منطقه هميشه اين واقعيت را مسخ نمودند.

بيداري اسلامي در کشمير در سال ۱۹۳۱ ميلادي آغاز شد، هنگامي که مردم عليه ديکتاتوري و نظام ضد اسلامي قيام کردند و بدن ترتيب ۱۳جولاي ۱۹۳۱ برابر با ۲۱ تير ۱۳۱۰ ش قيام خونين مسلمانان کشمير رقم خورد.

از سال ۱۹۳۱ ميلادي تاکنون استعمارگرايان در قالب هاي مختلف تلاش مي کنند که حرکت مردم انقلابي کشمير را تغيير دهند و موفقيت هايي هم بدست آوردند.

دنيا مسئله کشمير را بعنوان مناقشه سياسي ميان کشورهاي هند، پاکستان و احيانا چين مطرح مي کند که نيمي از واقعيت است و نيم ديگري که از آن چشم پوشي مي شود تعلق آن به اسلام است يعني مسئله کشمير متعلق به جهان اسلام است نه به پاکستان و هندوستان و چين، هر چند آن ها نيز به لحاظ سياسي طرف هاي قضيه هستند.

هندوستان و پاکستان بر سر کشمير چهار بار جنگيده اند و هنگام اولين جنگ موضوع را به سازمان الملل ارجاع دادند و باوجود اينکه چندين قطعنامه بي ارزش بر سر اين موضوع بتصويب رسيد ولي نتيجه اي نداشت.

در سال ۱۹۴۹ ميلادي سازمان الملل متحد دفتر نمايندگي خود را در کشمير تحت نظارت هند و تحت نظارت پاکستان بنام "UNMOGIP" تاسيس کرده است که ۳۹ نمايندگان از ۹ کشور از جمله ۲ نماينده از کشور بلژيک ۳ نماينده از شيلي، ۶ نماينده از دانمارک، ۷ نماينده از فنلاند، ۵ نماينده از ايتاليا، ۵ نماينده از جمهوري کره، ۸ نماينده از سوئد و ۳ نماينده از ارگوئه در هر دو بخش کشمير انجام وظيفه مي کنند. و احتمالا اين انجام وظيفه در انتظار روزي است که تمام هزينه آن را از مردم کشمير مطالبه کند که نقشي در اين بازي ندارند. و سازمان ملل متحد هم هيچوقت نخواست براي دفاع از مردم کشمير جلو بيايد بلکه تنها به ريختن خون مسلمانان نظاره کرده و لذت مي برد.

همچنين سازمان همکاري اسلامي مثل سازمان ملل متحد نتوانست نقش مثبتي نسبت به کشمير ايفا کند هر

چند در سال ۱۹۹۴ در تهران سازمان کنفرانس اسلامي گروه رابط متشکل از ۵ وزراي خارجه؛ پاکستان، ترکیه، آذربایجان، نيجريه و عربستان سعودي را تشکیل داد اما باز هم غير از صدور اعلاميه ها، کمکي براي نهضت مردمی کشمير حاصل نشد. نتوانستند حرکت جدی از خود نشان دهند. حداقل حرکت چریکی را که پاکستان شروع کرد آنرا متوقف سازد و هویت مردمی را حفظ کند. نقشی مثل نمایندگی سازمان ملل متحد برای کشمیر تحت اداره هند و کشمیر تحت اداره پاکستان ایفا کند. بی تردید مردم کشمیر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را الگوی خود دانسته و بایستی در سازمان همکاری اسلامی، ایران اسلامی، که پایبندی خود به ارزشهای انسانی و اسلامی را با ثبات رساند است کشمیر را نمایندگی کند.

پاکستان و هندوستان از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۹ بر سر کشمیر چهار بار (۵) جنگیدند که هیچ یکی نتوانست موج انقلابی در میان مردم ایجاد کند زیرا هر کدام قدرت نمایی دو کشور بوده است. البته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در کشمیر موج انقلابی بوجود آمد و مردم کشمیر از ایران اسلامی الگو گرفته و غیرت دینی خود بنمایش گذاشتند.

در سال ۱۹۸۶ میلادی موج انقلابی همچون موج بیداری اسلامی که اکنون در کشورهای عربی مشاهده می کنیم در کشمیر به اوج خود رسید و احزاب اسلام گرا پیش گام شده راه های مسالمت آمیز جمهوری و مردم سالاری را در پیش گرفتند و در انتخابات حضور پیدا کردند ولی علاوه بر خیانت های دولت حاکم متاسفانه این حرکت با رهبری پاکستان قربانی خشونت شد و موج مردمی کشمیر را به حرکت چریکی تبدیل کردند و بطور نا آگاه مردم کشمیر با شعار های اسلامی از ایده های اسلامی فاصله گرفتند و تاکنون بالغ بر یکصد هزار مسلمان قربانی این نا عاقبت اندیشی مدیران این نهضت شدند. و لذا باید رنگ اسلامی و هویت اسلامی برای مسئله کشمیر بتواند هم راه خون ریزی مظلومان را مسدود سازد و هم استقلال و امنیت را به منطقه برگرداند و این وظیفه سازمان همکاری اسلامی بویژه نظام مقدس اسلامی جمهوری ایران، که پرچمدار بیداری اسلامی در جهان اسلام است، می باشد، که طبق طرح امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، مسئله فلسطین و مسئله کشمیر را صدر مسائل جهان اسلام قرار بدهد.

پاکستان چون نسبت به کشمیر طرف است و مثل هند و چین بحساب می آید لذا نمی تواند سخنگو یا ناظر کشمیر باشد در حالی که سازمان همکاری اسلامی چنین روال را در پیش گرفته است.

اینکه مسئله کشمیر مسئله اسلام عنوان شد ضمن اینکه یک واقعیت است، دارای پشتوانه دیدگاه جهان بینی بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه نیز است که در سال ۱۹۶۵ میلادی در نجف مسئله کشمیر را در کنار مسئله فلسطین قرار داده آنرا بعنوان یک مسئله اسلامی یاد کرده اند.

امام راحل طی سخنان خود تحت عنوان وظیفه سران ممالک اسلامی و مسئولیت علما در معرفی برنامه‌های اسلام در نجف اشرف در مسجد شیخ انصاری مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۶۵ میلادی برابر با ۲۳ آبان ۱۳۴۴ اعلام داشتند:

"... در کلمه توحید که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی که مشترک بین همه است با هم توحید کلمه کنند. اگر اینها توحید کلمه کنند، دیگر یهود به فلسطین طمع نمی‌کند؛ دیگر هندو به کشمیر طمع نمی‌کند. این برای این است که نمی‌گذارند شما متحد بشوید. بدانند آنها - می‌دانند هم - دستهایی که می‌خواهند منابع شما را از دستتان بگیرند، می‌خواهند ثروت شما را به رایگان ببرند، می‌خواهند ذخایر تحت الارضی و فوق الارضی شما را به یغما ببرند، آنها نمی‌گذارند که عراق و ایران با هم متحد بشود؛ ایران و مصر با هم متحد بشود؛ ترکیه و ایران با هم متحد بشود؛ همه‌شان با هم وحدت کلمه پیدا کنند. نخواهند گذاشت ولی شما تکلیفتان این نیست؛ رؤسا تکلیفشان این است که بنشینند با هم تفاهم کنند، حدود و ثغور خودشان را حفظ کنند، هر کدام حدود و ثغورشان محفوظ، لکن آن دشمن خارجی که به شما اینقدر ضرر وارد می‌کند در مقابل او توحید کلمه کنید. اگر توحید کلمه نکنید، یک مشت یهودی دزد در فلسطین است، بیش از یک میلیون از مسلمین را ده سال، بیشتر از ده سال است که متفرق کرده‌اند و ممالک اسلامی نشسته‌اند با هم عزا گرفته‌اند، اگر توحید کلمه باشد چطور می‌توانند اینها، این یک مشت یهود دزد، چطور می‌توانند فلسطین شما را از دستتان بگیرند و مسلمین را از فلسطین بیرون کنند و نتوانید هیچ کار بکنید؟ اگر توحید کلمه کنید، چطور هندوی بدبخت می‌تواند کشمیر عزیز را از ما بگیرد و از مسلمین بگیرد و هیچ کاری از آنها نیاید؟

اینها مطالبی است که جزو واضحات است منتها تذکر لازم است.... "

همچنین حضرت امام خامنه‌ای حدود هفتاد نوبت طی مناسبت‌های مهم و کلیدی طی دوره امامت و رهبری‌شان از مطلومیت کشمیر سخن به میان آورده و فریادها سر داده‌اند که همان فریاد‌های اسلامی است که از امام نور انتظار می‌رود.

در یک جمع بندی کلی باید عرض کنم که کشمیر متعلق به جهان اسلام است نه به کشورهای همجوار خود و مردم کشمیر ثابت کرده‌اند حاضرند تنها برای دین مبین اسلام هر نوع فداکاری از خود نشان بدهند نه اینکه فدای آرمان یک کشور، یک حزب، یک قبیله یا یک نژاد شوند و باید از این روحیه تجلیل و قدردانی بشود تا اینکه جامعه اسلامی کشمیر شکوفائی از خود نشان بدهند و بایستی کشمیر و فلسطین با یک دید و سیاست پشتیبانی شود.

_____ (1): ۱. حزب المجاهدين ۲. لشکر طيبه ۳. جيش محمد ۴. حرکت الجهاد اسلامي ۵. البدر ۶.

حرکت المجاهدين ۷. البرق ۸. الفاران ۹. الجهاد ۱۰. الجهاد فورس ۱۱. المجاهد فورس ۱۲. المصطفى لبريشن آرمي ۱۳. العمر مجاهدين ۱۴. اخوان المجاهدين ۱۵. اسلامي انقلابي محاذ ۱۶. جمعيت طلاب اسلامي ۱۷. اسلامک سٹوڈنٹس لیگ ۱۸. جمعيت المجاهدين ۱۹. نیشنل لبريشن آرمي ۲۰. سٹوڈنٹس لبريشن فرنٹ ۲۱. محاذ آزادي ۲۲. مسلم مجاهدين ۲۳. تحریک جہاد اسلامي ۲۴. تحریک مجاهدين ۲۵. پاسبان اسلام ۲۶. حزب المجاهدين ۲۷. حزب ا ۲۸. الفتح ۲۹. حرکت الانصار ۳۰. جموں و کشمیر لبريشن فرنٹ وغيره (2): ۱. جماعت اسلامي ۲. عوامي ايکشن کمیٹی ۳. اتحاد المسلمين ۴. مسلم کانفرنس ۵. پیپلز کانفرنس ۶. لبريشن فرنٹ ۷. پیپلز لیگ ۸. ایمپلائز فیڈریشن ۹. انجمن شرعي شيعيان ۱۰. انجمن تبليغ الاسلام ۱۱. انجمن اوقاف جامعہ مسجد ۱۲. لبريشن کونسل ۱۳. جمعيت اهل حديث ۱۴. کشمیر بزم توحيد ۱۵. جمعيت همدانيه ۱۶. پلتکل کانفرنس ۱۷. تحریک حریت کشمیر ۱۸. جمعيت علماء اسلام ۱۹. مسلم خواتین مرکز ۲۰. جموں و کشمیر هیومن رائٹس کمیٹی ۲۱. پیپلز بيسک پروٹکشن کمیٹی ۲۲. ایمپلائز فیڈریشن ۲۳. اسلامک سٹوڈنٹس لیگ ۲۴. اسلامک سٹوڈنٹس سرکل ۲۵. اوقاف جامعہ مسجد

(3): ۱. نیشنل کانفرنس (کنفرانس ملي) ۲. کانگریس (کنگرہ) ۳. پیپلز دیموکریٹک پارٹی ۴. پیپلز دیمو کریٹک فورم ۵. کمیونیست پارٹی آف انڈیا مارکسیست ۶. کمیونیست پارٹی آف انڈیا ۷. سوشلسٹ دیموکریٹک پارٹی ۸. عوامي نیشنل کانفرنس ۹. ج ۱۰. ۱۱. دیموکریٹک فورم ۱۰. ہندو ویلفیر سوسائٹی (4): ۱. عوامي ايکشن کمیٹی ۲. انجمن شرعي شيعيان ۳. جماعت اسلامي ۴. جمعيت اهل حديث ۵. تحریک حریت کشمیر ۶. اتحاد المسلمين ۷. دیمو کریٹک فریدم پارٹی ۸. لبريشن فرنٹ ۹. پیپلز کانفرنس ۱۰. پیپلز کانفرنس ۱۱. دختران ملت ۱۲. ماس مومنت ۱۳. مسلم خواتین مرکز ۱۴. محاذ آزادي ۱۵. دیموکریٹک لبريشن پارٹی ۱۶. مسلم کانفرنس ۱۷. دیموکریٹک پولیٹیکل مومونت ۱۸. نیشنل فرنٹ ۱۹. پیپلز لیگ ۲۰. نیشنل پیپلز پارٹی ۲۱. سالویشن مومنت ۲۲. تحریک وحدت اسلامي ۲۳. لبريشن فرنٹ ۲۴. اسلامک سٹودنٹس لیگ ۲۵. امت اسلامي ۲۶. پیپلز پلتکل پارٹی ۲۷. تحریک نفاذ شریعت

(5): ۱۹۷۱، ۱۹۶۵، ۱۹۴۷، ۱۹۹۹